



میر عبدالواحد سادات

"حکومت سرپرست" رخ دیگر "حکومت موقت"

پاسخ بسؤال يك دوست گرامی از کابل جان :

این دوست گرامی ضمن تشریح وضع امروز کابل ، آن شهر را به يك گارنیزون نظامی تشبیه نموده که باشندگان آن هر لحظه منتظر اخبار ناگوار میباشند و تبصره در مورد سقوط دولت ، انارشی تنظیمی دهه نود را به اذهان مجسم میسازد .

دوست عزیز من در اخیر سوال خود را چنین مطرح مینماید :

— چه فکر و نظر دارید ، حق با کی است ؟ و قانون طرف کی است ؟

با موافقت آن عزیز محصور در دام بلا و منتظر آفات و بلیات ناشی از فقدان حاکمیت عقل به اصطلاح سیاسیون مطرح و دولت ناکارا ، پاسخ بسیار مختصر خود را با رعایت حد اکثر ایجاز با دوستان شريك مي سازم :

در مورد اول که حق با کی است ، شعر معروف را که آزادیخواه بزرگ مولانا خسته در جریده وطن و در مشروطیت سوم نوشته بود ، بذهنم تداعی گردید :

حق به صد حجت و برهان نکند عرض وجود

تا به ارباب عمايم رگ گردن باقي است

(البته در احوال جاری ارباب عمايم همانا تاجران دین و دین فروشان ، دکانداران قوم و قوم فروشان و جلابان سیاسی اند)

در مورد دوم و قانون ، همان شعر اکبر نامه و دوران تسلط استعمار انگلیس ، مصداق حال ما است که :

ز ناموس در شهر نامه نماند

به ساز و بقانون مقامی نماند

اظهر من الشمس که قانون اساسی نقض گردیده است و اثبات این واقعیت ، خرما بردن به بغداد میباشد و از بوالعجبی های روزگار که این قانون اساسی که محصول حضور مدعیان دیموکراسی ، قانون سالاری و مورد حمایت آنان بوده است از بدو انفاذ و تا کنون بارها نقض گردیده است و تنها همین حکم آن در مورد تاریخ انتخابات این چهارمین بار است که رعایت نمیگردد ، و ایجاد حکومت به اصطلاح وحدت ملی خود شهکار نقض قانون اساسی است .

اکنون سوال اساسی این است که :

کاندیدان معترض که بر اساس همین قانون اساسی و قانون انتخابات ثبت نام و ملزم بر رعایت احکام قانون میباشد ، جواب نقض قانون اساسی را با لغو و یا در بهترین حالت با تعلیق آن میدهند و تا کنون هیچکدام ازین کاندیدان متوجه نشده اند که عملکردشان با طرح های فراقانونی کودتا بر علیه قانون اساسی محسوب میگردد . این آقایان جواب کم کاری و اغماض و وظیفوی حکومت را بقول خودشان با لغو دولت میدهند ! ! !
! میتوان این کاندیدان محترم را مخاطب ساخت که :

چرا از همان آغاز کارزار ثبت نام و در چند ماه اول و زمانیکه بارها نشست ها با اولیای امور داشتید ، هر نوع تاخیر در تدویر انتخابات را بحیث خط سرخ مطرح نفرمودید ؟
واضح است که تصمیم تاخیر انتخابات را امریکا و انهم بخاطر سراب صلح قطر گرفته اند تا به برداشت جناب خلیلهاد طالبان شاید موافقت نمایند و محاسبات تغییر نماید .
اکنون که امید ها از قطر تعطیل گردیده ، تدویر انتخابات مورد توجه مجدد امریکا و اتحاد اروپا قرار گرفته است .

اما حوادث نمایانگر این واقعیت است که در زیر کاسه ، نیم کاسه های زیاد قرار دارد و برای تعداد از " سیاسیون مطرح " ، کماکان ایجاد حکومت موقت که بسیار بدنام گردیده است ، این با زیر نام " حکومت سرپرست " در دستور کار قرار دارد ، تا از شر رقیب اساسی شان فارغ البال گردند .

طرح " حکومت موقت " به تعقیب آغاز ماموریت جاری آقای خلیل زاد و با تدویر جلسات در قطر و مسکو ساری گردید و در آن شب و روز که سراب صلح ، امید های کاذب را ایجاد کرده بود ، جلابان سیاسی تلاش کردند تا پروسه صلح را در سطح يك " پروژه " تزییل داده و با " تیکه " نمودن آن ، در یکی ، دو جلسه و با دور زدن دولت موجود ، در نقش حامیان صلح از رئیس جمهور انتقام گرفته و او را از ارگ بیرون سازند . چنانچه عمران خان نیز در راستای ایجاد حکومت موقت و از روی " دلسوزی " نظر داد که در داخل افغانستان با استقبال آقای کرزی و تیم انتخاباتی آقای اتمر مواجه گردید .

در غیر آن اگر هدف دایر گردیدن حتمی انتخابات در موعد معینه ماه میزان و ضمانت از شفافیت آن است ، باید در همین راستا پیشنهادات مشخص را در وجود يك مکانیزیم عملی بکمک کارشناسان و أهل حقوق آماده و بمردم و جامعه جهانی مطرح نمایند .

قبل از آنکه اعمال فراقانون و مغایر عقلانیت سیاسی ما ، با عث تکرار تراژیدی خونبار دهه نود گردد ، بهتر است کلام بی بدیل حضرت فردوسی را به دقت و بار بار بخوانیم که :

به یزدان اگر ما خرد داشتیم
کجا این سرانجام بد داشتیم

با حرمت